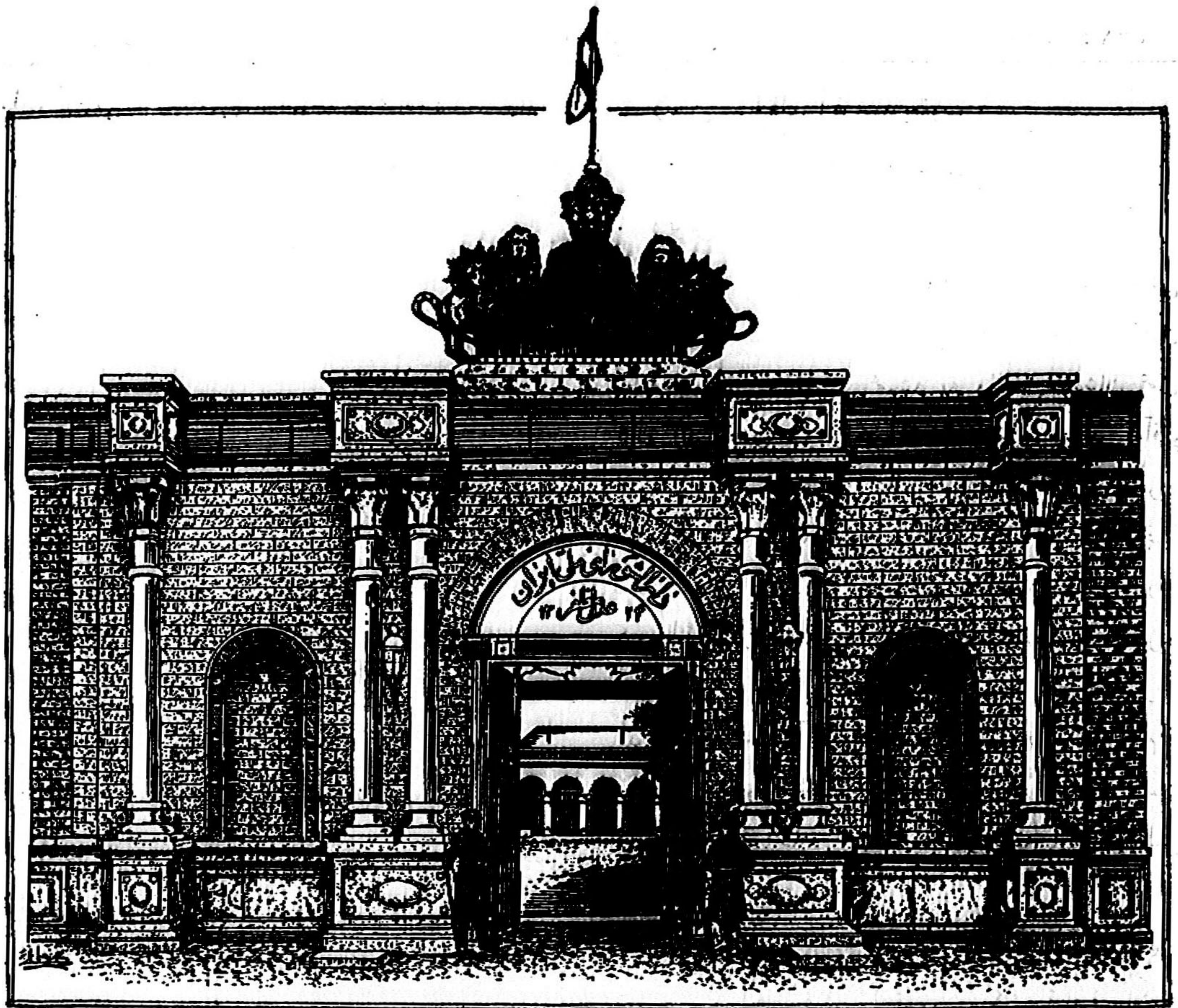


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۱۴۹</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۱۴</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنج شنبه ۶ مهرماه ۱۳۰۶ مطابق ۲ ربیع الثانی ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالبانه ده تومان خارجیه « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

# فهرست مندرجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تصویب مرخصی آقایان فرشی - رفیع	۲۲۷۴	
۲	بقیه شور ثانی نسبت بقانون بلدی از ماده ۲۵ الی ماده ۲۷	۲۲۷۵	۲۲۹۵



# مذاکرات مجلس

## دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنج شنبه ۶ مهر ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲ ربیع الثانی ۱۳۴۶

### جلسه ۱۴۹

غائبین با اجازه جلسه قبل  
 آقایان: دکتر سنک - امام جمعه شیراز - خطیبی -  
 افشار - ضیاء - زارع - عباس میرزا - مهدوی - فرمند -  
 ثقة الاسلامی - عدل - جوالشیر - میرزا ابراهیم آشتیانی

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای پیرنیا  
 تشکیل گردید)  
 (صورت مجلس سه شنبه چهارم مهر ماه را آقای  
 بنی سلیمان قرائت نمودند)

ملك آرائی - صالحی - زعیم - آية الله زاده اصفهانی  
 غائبین بی اجازه جلسه قبل  
 آقایان: اسدی - علیخان اعظمی - نظام مافی - یاسائی  
 قوام - افسر - حاج حسن آقا ملک - حاج میرزا آقا  
 فرشی - حاج غلامحسین ملک - افخمی -  
 دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل  
 آقایان: بهبهانی - میرزا حسنخان وثوق  
 دیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل  
 آقایان: فهیمی - مرضی قلیخان بیات - حاج شیخ  
 بیات - دکتر مصدق.

رئیس - صورت مجلس مخالفی ندارد؟

(گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد.

رئیس - خبر کمیسیون عرایض قرائت میشود

(خبر کمیسیون عرایض و مرخصی راجع به مرخصی آقای فرشی بشرح ذیل خوانده شد)

نماینده محترم آقای فرشی بواسطه امتداد کسالت ۴۵ روز از تاریخ ۱۷ شهریور نقاضای مرخصی نموده و نماینده محترم آقای دکتر رفیع امین لزوم آرا جهت رفع کسالت ایشان کتباً تصدیق نموده لهذا کمیسیون هم مرخصی ۴۵ روزه ایشان را تصویب و راپرت آن تقدیم میشود.

رئیس - آقای بامداد

بامداد - يك قانونی به اسم قانون استخدام در مجلس تصویب شد و در آن قانون نوشته شده است که اعضاء اداری مالی یکماه حق استفاده از مرخصی دارند و اغلب هم داده نمیشود. آنها روزی شش ساعت کار میکنند غیر از دوسیه ها که درخانه شان میبرند. آقای فرشی سه ماه اجازه گرفته و تشریف برده اند. حالا نمی توانند بیایند تشریف نیاورند. لا اقل حقوقشان را نگیرند مستأصل هم نیستند. کمیسیون عرایض يك اقدامی کرد که حقیقتاً يك قدمی رو به انتظام رفت حالا میخواهد آرا نقض کند

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۲۵ - پس از وصول اعتبار نامها بلافاصله وکلای بلدی بموجب دعوت نامه حکومت در محلی که برای آنها مقرر است حضور بهم رسانیده و در تحت ریاست یک نفر رئیس سنی هیئت رئیسه خود را که عبارت است از یک نفر رئیس و يك يادونفر نایب رئیس - و يك يا دو نفر منشی - متناسب عدد اعضاء انجمن - برای مدت دو سال انتخاب نمایند.

تبصره - انجمن بلدی موافق نظامنامه مخصوصی که از تصویب انجمن خواهد گذشت امور داخلی خود را مرتب خواهد نمود.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده با این ماده موافقم فقط يك اصلاحی در اینجا لازم است. آنجا که میگوید (در محلی که برای آنها) (محل انجمن) باشد بهتر است که اینطور بشود در محلی که برای انجمن معین با مقرر است. زیرا يك اسم مذکوری نیست که ضمیر به آن ارجاع شود و محل هم برای وکلا نیست محل انجمن بلدی است مخیر - ممکن است در موقع نظریه خودشانرا پیشنهاد بفرمایند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در اینجا نوشته است پس از وصول خواستم تذکر بدهم آقای مخیر و سایر اعضاء کمیسیون را که اینکه نوشته شده پس از وصول اعتبارنامه ها بلافاصله اینجا ظرف مدت لازم است باید يك روز یادوروز مدتی بایش معین شود از اینجهت این را عرض کردم

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - اشکالی که بنده در این ماده دارم این است که اینطور که تنظیم شده است میسر است در هر موقع که اینکار به عمل میآید باید وکلای بلدی هیئت رئیسه خودشان را در تحت ریاست رئیس سنی انتخاب کنند

در صورتیکه این ترتیبی که در ماده نوشته شده منحصر به مرتبه اول انتخاب است. وقتی که تمام اعضاء انجمن انتخاب شدند باید يك نفر رئیس سنی و بعد رئیس دائمی انتخاب کنند و بعد از انتخاب دفعه اولی در هر دو سال يك مرتبه يك نك از اعضاء انتخاباتشان تجدید میشود و آنوقت بنام این شرایط نباید عمل شود. و بطوریکه در این ماده نوشته شده مثل این است که تمام انتخابات در دو سال یکمرتبه تجدید میشود و آنوقت باید در تحت ریاست رئیس سنی هیئت رئیسه خود را انتخاب نمایند و بعقیده بنده باید تصریح شود که در مرتبه اول اینطور است و دوره های بعد که يك نك آنها انتخاباتشان تجدید میشود باید بجه ترتیب عمل شود.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود. پیشنهاد آقای

احتشام زاده

(بشرح آن خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در سطر اول ماده ۲۵ عبارت (بموجب دعوت نامه حکومت) حذف شود

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - قضیه دعوت نامه حکومت جزء تشریفات است و بنده خیال میکنم جز اینکه اسباب زحمت بشود فایده ندارد و يك وقت هم ممکن است حکومت فرضاً بجهانی مایل نباشد انجمن تشکیل بشود و دعوت نکند. چون جزء تشریفات است و از مسائل جزئی است بنده معتقد هستم که اگر در قانون ذکر بشود شاید اسباب زحمت بشود.

رئیس - آقای حاج شیخ بیات

حاج شیخ بیات - گمان میکنم این اشکالی نداشته باشد همینطوری که در مجلس شورای ملی معمول است که وقتی وکیل انتخاب میشود از طرف وزارت داخله دعوت میشود راجع بان موضوع هم باید اعضاء انجمن از طرف حکومت دعوت شوند اشکالی ندارد.

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای احتشامزاده. آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای دیبا.

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد مینام ماده ۲۵ بترتیب ذیل تنظیم شود ماده ۲۵ - پس از وصول اعتبار نامه ها بلافاصله وکلای بلدی بموجب دعوت نامه حکومت در محلی که برای آنها مقرر است حضور بهم رسانیده در تحت ریاست مسن ترین اعضاء و تعیین دو نفر یا یک نفر از جوانترین اعضاء به منشی گری انجمن را تشکیل و هیئت رئیسه خود را که عبارت از یک نفر رئیس و یک یا دو نفر نایب رئیس بانتهای مخفی و فردی و یک یا دو نفر منشی بانتهای مخفی و جمعی معین مینمایند. هرگاه در دو نوبت اکثریت نام تحصیل نشد در نوبت ثالث شخصی که نسبتاً اکثریت دارد منتخب خواهد شد. اعم از اینکه در نوبت اولی و ثانوی در مورد او رأی داده یا نداده باشند اگر عده آراء در مورد چند نفر مساوی شد بکنفر از آنها بحکم قرعه منتخب خواهد شد.

رئیس - آقای دیبا

دیبا - پیشنهاد بنده حقیقه عین آن ماده است ولی یک تغییراتی دارد راجع به هیئت رئیسه موقتی از منشی اسمی نبرده و همچنین تصریح هم شده است که انتخاب فردی است یا جمعی و در صورت تساوی تکلیف چیست این است که بنده این پیشنهاد را کرده ام و در حقیقت اصلاح عبارتی است.

دادگر - بکمرتبه دیگر خوانده شود

(بشرح سابق خوانده شد)

مخبر - در قسمت تعیین دو نفر منشی اشکالی ندارد که اضافه شود بر ماده. ولی راجع بترتیب انتخاب و اکثریت اسمی در دفعه سوم و کشیدن قرعه کمان میکنم

تکلیف است قسم یاد کند و چون هیچ قسمتی برای آنها رعایت نشده از قبیل مدد معاش و کمکهای دیگر او را چطور میشود الزام کرد که اگر قسم نخورد مجازاتش کنند؟ بعلاوه این نظیر فرمایشات آقای دکتر مصدق است خوب است اول اینجا را مقدمه قرار بدهند بعد آنجا را معین کنند.

رئیس - آقای روحی

روحی - بنده اصولاً معتقد نیستم که وکلای انجمن بلدی قسم بخورند زیرا مردمانی که حقوق نمیگیرند چطور میشود گفت قسم بخورند. ما که قسم میخوریم پول ملت را میگیریم و باید قسم بخوریم و بعلاوه امر قانون اساسی است. حالا فرضاً هم آقایان میخواهند این ماده را بگذارند بنده عقیده دارم که یک کلمه «حتماً» قبل از آن بگذارند که حتماً باید سوگند بخورند یا اصلاً این ماده را بردارند که این ماده کش دار نباشد که هرکس میخواهد قسم بخورد و هرکس نمیخواهد قسم نخورد.

رئیس - رأی میگیریم ....

آقا سید یعقوب - پیشنهادی عرض کرده ام.

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل اضافه شود

تبصره - در صورت تخلف از قسم از مقام نمایندگی منفصل است.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - مجلس مقدس تصدیق میکنند که امروز این موضوع نظر به بیانات آقای دکتر مصدق محل بحث واقع شد و محل نظر است قوانینی که روز بروز وضع میکنیم باید توضیح در آنها داده شود وقتی که آقای دکتر مصدق اینجا اظهارات میکردند من گفتم که سابق اینطور بوده است که وکیل که میآمد مجلس قسم

میخورد و این سابقه قسم خوردن دیگر لایتخلف بود حالا ایشان که یک شخص فاضلی هستند نظرشان این است و بنده نظرم این است که اینجا ذکر شود که بعد از این این اشتباهات واقع نشود نه در وزارتخانهها نه در مجلس شورای ملی نه در انجمن بلدی. و نسبت بایمان و نسبت بقسم خوردن و نسبت به تعهدات آزادی نداشته باشند مأمور دولت که رفت در اداره باید قسم بخورد اگر نخورد منفصل است نمایندگی که می آید در مجلس باید مطابق آن قسم نامه که ملت او را فرستاده قسم بخورد و الا بنده اعتقاد ندارم به آن نماینده. نماینده انجمن بلدی که رفت باید قسم بخورد بآن قسم نامه که در نظامنامه تنظیم میشود. اگر یک کسی قسم نخورد و برای قسم خوردن حاضر نشد بنده چه اطمینان دارم که به تکلیف خود عمل میکند؟ این است که این پیشنهاد را بنده کردم آقای مخبر هم قبول نکنند که رفع این ابهام بشود و این موضوع معلوم باشد.

شیروانی - صریح است قانون اساسی ابهام ندارد

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم که بنده با پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب مخالف هستم ولی بایک طرز خاصی و آن این است که بنده میخواهم ترجمه کنم گفتار آقای مدرس و گفتار آقای رئیس را و بعد هم عقیده خودم را حالا شاید هم ترجمه گفتار آنها را موافق سلیقه خودم بکنم. بنظر بنده وقتی که برای معرفی شدن بیک سمتی شرایطی ذکر می شود فقدان آن شرایط سمت آن شخصی را از بین میبرد. این همان منطقی بود که آقای مدرس بآن متوسل بوده و عقیده ام بر این است وقتی که در اینجا فید می شود و قانون مملکتی ملزم می کند شخصی را باینکه قسم بخورد هیچگونه تعبیری نمیشود برای آن کرد. و مادام که قسم نخورد این قضیه در حال تعلیق میباشد تا آن که شرط عمل بشود و مطابق همین منطقی بود که در دوره پنجم قسم خوردیم و هیچکس هم انوائست تخلف

بکنند بنابر این روی این منطبق است که بنده پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب را زاید میدانم یعنی وقتی که قانون وضع شد که وکیل باید قسم بخورد باید بخورد و اگر حالا بخوانند چیزی اضافه کنند مضافات است و بنده به تنهایی ماده را کافی میدانم و واجب میدانم انبان باورا و ناموقمی که انبان باور نشده است خواه نماینده مجلس شورای ملی خواه نماینده انجمن بلدی يك نصابه در انتخابات است

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید در صورتیکه بنده تأمین شده است که اگر نشد منصرف است یعنی باید عمل بشرط بکنند بنده پیشنهاد را پس میگیرم

رئیس - رأی گرفته میشود به ماده ۲۶ آقائیکه تصویب میکنند قیام فرمایند  
( اکثر قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد. پیشنهاد آقای دبیرا راجع به ماده ۲۵

( شرح ذیل خوانده شد )  
پیشنهاد میجام در ماده ( ۲۵ ) بعد از جمله رئیس سنی نوشته شود و تعیین يك یا دو نفر از جوانترین اعضاء به منشی گری

مخبر - بنده از طرف کمیسیون قبول میکنم.  
رئیس - پیشنهاد آقای کازرون  
( شرح ذیل خوانده شد )

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده ۲۵ در سطر دوم بجای کله آنها نوشته شود « انجمن »

رئیس - آقای کازرون  
کازرون - مطلب مهمی نیست ...

بعضی از نمایندگان - آقای مخبر قبول کردند کازرون - قبول کردند بسیار خوب

رئیس - پیشنهاد آقای عمادی  
( شرح آن خوانده شد )

پیشنهاد میجام در آخر ماده ۲۵ نوشته شود در مدت یکسال

رئیس - آقای عمادی

عمادی - برای اینکه همالطوریکه فرمودند در چند ماده از این لایحه شباهتی با انتخابات مجلس شورای ملی دارد بنده خواستم مثل مجلس شش ماه بگیرم دیدم خیلی اسباب زحمت میشد و علت اینکه یکسال عرض کردم این است که چون اعضاء انجمن ممکن است نسبت بهم دیگر در موضوع تعیین هیئت رئیسه يك سوء عملیاتی بکنند در یکسال مجاز باشند اگر آنها حسن خدمت کردند و اعضاء نسبت بایشان اتکاء دارند باز همان ها را معین بکنند اگر نه اشخاصی که بدو بدو یکسال یکسال تجدید شوند مخبر - اینکه در اینجا دو سال بدو سال قرارداد داده اند از نقطه نظر این است که در انقضاء هر دو سالی نك اعضاء بحکم قرعه خارج میشوند در عوض آن ها مجددا اشخاص دیگری انتخاب میشوند کمیسیون این نظر را گرفت که در موقع هر تجدید انتخابی هیئت رئیسه هم تجدید بشود. بعلاوه نمیشود تصور کرد که در انجمن بلدی همچو اختلاف نظریان تولید میشود که روی يك سیاستهایی باشد از اینجهت کمیسیون اینطور روی داد که دو سال بدو سال انتخاب شود

رئیس - رای میگیرم به پیشنهاد آقای عمادی آقائیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند  
( عده کمی خواستند )

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای فیروز آبادی  
( شرح ذیل خوانده شد )

بنده پیشنهاد میکنم که در آخر ماده ۲۵ عوض برای مدت دو سال نوشته شود ( برای مدت یکسال انتخاب مینمایند )

رئیس - این رد شد رای گرفته میشود بماده ۲۵ با دو فقره اصلاحی که شد یکی از طرف آقای کازرون

و یکی از طرف آقای دبیرا آقائیکه ماده ۲۵ را باین ترتیب تصویب میکنند قیام فرمایند  
( عده کثیری قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد. ماده ۲۷  
( شرح ذیل خوانده شد )

ماده ۲۷ - امور راجعه به انجمن بلدی از قرار ذیل است :

۱ - تعیین نوع و میزان عوارض و عایدات بلدی

۲ - تصویب بودجه و اعتبارات

۳ - طرح لایحه استقراض بلدی  
تبصره - پیشنهاد استقراض در موردی است که امور مهمه و ضروری عام المنفعه با ایجاد مؤسسات اقتصادی بلدی در نظر باشد

۴ - طرح لایحه اعطای امتیازات شهری و پیشنهاد آن بوسیله وزارت داخله بمجلس شورای ملی

۵ - تصویب ایجاد مؤسسات اقتصادی بلدی

۶ - تصویب افتتاح حساب جاری

۷ - تصویب خرید و فروش اموال غیر منقوله

۸ - تصویب جمع آوری اعانه های اختیاری در مواقع ضرورت با قبول اعانه باسم شهر

۹ - رسیدگی بحساب بلدی و تصویب لایحه تفریح بودجه

۱۰ - نظارت در جریان امور بلدی و مؤسسات خیریه

۱۱ - تصویب کلیه نظامنامه های اداری بلدی

۱۲ - تصویب قواعد و نظامات عبور و مرور شهری و رعایت عفاف بین عابرن و تعیین میزان اجرت وسایط نقلیه در حوزه بلدی

۱۳ - تصویب تغییرات در نقشه شهر

۱۴ - تبدیل عوارض جنسی بنقدی

۱۶ - مراقبت در حسن اداره موقوفات متعلقه به حوزه بلدی که برای آسایش عمومی تخصیص یافته است

۱۷ - تهیه میدان های عمومی برای خرید و فروش اوراق

رئیس - آقای کازرون  
کازرون - بنده در این ماده شاید بعکس انتظار آقائیان مخالفت مهمی ندارم. فقط خواستم بعنوان سؤال عرض کنم این جا هفده فقره است و ظایفی که برای انجمن بلدی معین میشود ولی این هفده فقره پنج فقره اش را نوشته پس از امضاء حاکم بتصویب وزارت داخله و شش فقره دیگرش را نوشته پس از امضاء حاکم و فقرات دیگر را مسکوت عنه میگذازد آیا مقصودش این است که بدون اینکه حاکم امضا کند و وزارت داخله تصویب بفرماید آن فقرات بموقع اجرا گذارده شود؟ البته مقصود اینست ولی ممکن است اسباب اختلاف و اشتباه شود و گمان میکنم ذکرش بی ضرر باشد

مطلب دیگر این است که در فقره ۱۶ میگوید مراقبت در حسن اداره موقوفات متعلقه بحوزه بلدی الی آخر در صورتیکه این مسئله از وظایف اداره اوقاف و وزارت معارف و اوقاف است. شما اگر بنامد يك وظیفه را بدو مؤسسه بدهید اگر نظریات آنها با هم يك تضاد و تعارضی پیدا بکنند تکلیف چیست بنده گمان میکنم که مراقبت در حسن اداره موقوفات و رسیدگی در امور آن از وظایف اداره موقوفات است حالا بلدی چه کند

مراقبت کند در حسن اداره موقوفات؟ اداره اوقاف هم البته باید مراقبت کند در حسن اداره موقوفات. این ضرر ندارد. هر دو بکنند چنانکه آقای مدرس هم فرمودند لکن پاره اوقات میشود که بین نظریات آنها يك اختلافی پیدا شود. این اختلاف را چه باید کرد

مثلاً در کیفیت مراقبت اختلاف واقع شد چه باید کرد بنده عقیده ام این است که مراقبت اداره بلدی با بودن اداره موقوفات لزومی ندارد

مخبر - در قسمت اول اگر ماده ۲۸ را ملاحظه

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

فرموده باشند تکلیف این قسمت‌ها را معین میکنند که کدام قسمت‌ها را باید حاکم امضا کند و کدام باید بامضای حاکم و وزارت داخله برسد و پس از تصویب وزارت داخله بموقع اجرا بیاید. تمام این تکالیف را در ماده ۲۸ معین کرده است. اما در قسمت دوم بعضی موقوفات در شهرها هست که بالاخره اداره اوقاف هم رسیدگی نمی‌کند مثلاً قنوانی هست که وقف بر شهر است باید بلدی به دخالت کند برای آسایش مردم. بعضی آب انبارهایی است که دکاکین موقوفه هم دارد و بلدی به از نقطه نظر اینکه وقف است دخالت نمی‌کند اوقاف هم دخالت نمی‌کند مردم هم از آن استفاده نمی‌برند. از این جهت اینطوری نوشته شد که بلدی در این قسم موقوفات که در شهر است و ممکنست مورد استفاده عموم اهالی بشود مراقبت کند که مسلوب المنفعه نماند

رئیس -- آقای فهیمی

فهمی -- بنده چند قسمت از این ماده را بکفایتی مهم میدانم یکی در قسمت اول که مینویسد تعیین نوع و میزان عوارض و عایدات بلدی. این قسمت کافی نیست اولاً تعیین تنها کفایت نمی‌کند باید تعیین با تغییر بالغاء عوارض نوشته شود و ثانیاً اینکه انجمن باید لایحه آراء تهیه کند و تصویب آن یا مجلس شورای ملی است قسمت دیگر. تصویب بودجه و اعتبارات است اینهم توضیح لازم دارد که معلوم شود بودجه و اعتبارات بلدی و شهری است و بطور مطلق مقصود کلیه اعتبارات و بودجه‌ها نیست. در فقره هفت و هشت مینویسد: تصویب خرید و فروش اموال غیر منقوله و منقوله راجع باموال منقوله و غیر منقوله تنها خرید و فروش نیست اجاره هم هست ممکنست بلدی اجاره هم بدهد یا غیر منقولی باشد که اجازه نخواهد بدهد و بخواند معاملات دیگر بکنند پس باید نوشته شود که کلیه تصویب در خرید و فروش و اجاره و هرگونه معاملات که متعلق به حوزه بلدی باشد با انجمن است. یکی هم در قسمت پانزده تبدیل عوارض جنسی بنقدی است مقصود از این چیست؟ یعنی اگر در

جزو عوارض دبد عوارض جنسی هست آنها را تبدیل به نقدی بکند یا هر ساله تسعیر کند؟ اگر تسعیر سالیانه است باید بنویسند و در این زمینه بک پیشنهادی هم تقدیم کرده ام.

رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- عرض کنم ملاحظاتی که ایشان کردند وارد نیست. تصویب بودجه و اعتبارات معلوم است که راجع به بلدی است. بلدی که تصویب بودجه مملکتی را نمی‌کند! بعضی مطالب بقدری بداهت دارد که اگر انسان بخواند قید کند تقریباً زاید است تبدیل عوارض جنسی هم بعوارض نقدی غیر از تسعیر است. عوارض را باید تبدیل بکند. تسعیر بک با علیحده ایست که باید جدا باشد.

بعضی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است.

آقای سعید یعقوب -- بنده مخالفم.

رئیس -- بفرمائید

آقای سعید یعقوب -- بنده عرض مجلس میرسانم این هفده تکلیف است که در هر يك از آنها بخوانید وارد شویید میدانید که بعد از این چه عملیاتی میشود. یکی تعیین عوارض است که برروز آقای دشتی و آقای دادگر فریاد می‌زدند... با اینکه آمدیم و این همه بر واردات و صادرات و گمرک عوارض گذاریم دیگر نمیتوانیم عوارض وضع کنیم. بعلم اینکه حقیقه باره ملک سنگین شده و دیگر نمیتوانند تحمل بکنند بکطرف آن عوارض را بدهند! بکطرف هم عوارض شهری بدهند خواهتم توجه نمایندگان را باین موضوع جلب کنم. یکی دیگر هم راجع بموقوفات است. بنده تا بک اندازه از آن را موافق هستم و بعضی از آنها مخالفم موقوفات رد و قسمت موقوفات خاص و موقوفاتی که عنوان امور حسبه دارد که هیئت مؤمنین باید جمع شوند و آنرا نظارت کنند. بهر صورت اینها مواد زیادی است که اگر مجلس موافقت کند باید در يك يك از اینها علیحده مذاکره بشود چون اساس قانون بلدی همین ماده است و بنده عقیده ندارم

باین زودی مذاکرات کافی باشد.

رئیس -- آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(عده برخاستند)

رئیس -- تصویب نشد.

عمادی -- فقره فقره صحبت بشود.

رئیس -- بسیار خوب. فقره به فقره. در قسمت اول مخالفی هست؟

آقای سعید یعقوب -- بنده مخالفم.

رئیس -- بفرمائید

آقای سعید یعقوب -- در اینجا خاطر آقای دادگر و آقای دشتی و آقای شیروانی را بهمان فرمایشانی که در آن لایحه برروز فرمودند توجه میدهم. ما آمدیم عنوان کردیم که عواید عمومی را نمیتوان صرف مخارج خصوصی کرد. بعد در جواب ماها اینطور اظهار شد که این عواید عوایدی است که از کل شهرها گرفته میشود. یعنی آمده ایم در گمرک بعنوان واردات و صادرات بک مالیاتی درست کردیم که در دوره پنجم گذشت. بعد احتیاجات شهری را در نظر گرفتیم پس در حقیقت مادر شهرها کاملاً تخمیلان کرده ایم در آن مالیات واردات و صادرات. چنانکه الان بک شخصی است دروزار نامه که حقیقه برای بلدی و ولایات زحمت میکشد که حشمتی است و صورت عایدات که باید داده شود بشهرها هم کم کم از میز وزارت مالیه بیرون می‌آورد که سال بسال به بلدیها ندادند و تازه معلوم میشود که حقوق بلدیها با ابالات و ولایات خیلی بیشتر از اینها است. غالب روزها نماینده های محترم مستحضر هستند که ما آمدیم آن مالیات بآن عظمت را در نظر گرفتیم و ملاحظه نکردیم که بک منقصت اقتصادی بر ما وارد میشود باین نظر که گفتیم از این راه بک پولی بدست می‌آید برای

آباد کردن شهرها پس کاملاً عوارضی که شما تصور می فرمائید بلدی به باید معین کند به قدر کافی در آن جا ملاحظه کرده ایم. در این جا می آید می نویسد تعیین نوع و میزان عوارض و عایدات بلدی مسالماً هر کدام از این اعضاء انجمن بلدی که می‌آیند می نشینند فوری یاد نوی استین می اندازند. دوسه تا از این روزناجای هم مینویسند ای چاه باعضاء انجمن بلدی بکوقت می بینید (خوب شهر شهر پاریس میشود) بنام ارزاق بک مالیاتهایی می بندند اختیار مطلق هم بدست خودشان است و نگفته ایم هم اقلاً بیاورند به مجلس آنوقت این اختیار مطلق را بدهیم در صورتیکه در دوسال قبل هم بک مالیات بان سنگینی قرار داده ایم. بنده عقیده‌ام این است که این جزء اول تعیین نوع عوارض بلدی بکلی ازین برود این مالیات که ما قرار دادیم در مرحل برای همین بود دیگر چه قدر مقتضای بدست وزراء بدهیم بگوئیم گوشت این مردم را بکن؟ هر قدمی که ما برمیداریم کند و زنجیر بدست مردم بکنیم! بنده عقیده‌ام این است که تعیین عوارض این بک کلامی است مطلق و بک اجازه مطلق است برای این که آنها بیایند بنشینند معین کنند سالی چه قدر و چه اندازه و بچه ترتیب از آنها بگیرند. اقلاً اینها تنظیم لایحه بکنند که در هر شهری چه قدر عوارض بلدی تعلق می گیرد بعد بدهند بمجلس شورای ملی که مجلس بداند چه میخواهند بکنند. والا نسبت به این مسئله تصدیق کنید که خیلی اجحاف و تند روی خواهد شد بنده نمی خواهم در اینجا هو زخم یا عوام فریبی کنم. بنده اگر لباس حضرت حجت را هم بپوشم از طهران انتخاب نخواهم شد. اما من میدانم که مردم گرفتار چه بدبختی هستند باز در مرکز به اعتبار اینکه مرا گری هست مردم می توانند شکایت بکنند ولی در ابالات و ولایات مردم گرفتارند الان بنده کاغذ هائی که از بندر لنگه آمده است نشان میدهم. در آنجا حاکم چه کرده حاکم از بکطرف انجمن بلدی از بکطرف هر کسی را که ما بک تکه کاغذ دستش دادیم خط خون

رعیت را بدستش داده ایم. اینهارا ملاحظه کنید؛ وضعیات مردم بد بخت را در نظر بگیرید آنگاه وقت قانون بنویسید قانون خوب نوشته میشود اما در مقام اجرا بلای ناگهانی است برای این مردم. این است که باز هم خود آقای دادگر را توجه میدهم که مدافع این لایحه هستند این مسئله را در نظر بگیرید و ملاحظه حال مردم را بکنند در این مسئله اختیار آنها خیلی تند شده است. باید آنها معین بکنند و بعد تصویبش مختص مجلس باشد.

مخبر - این ماده ۲۷ بطوری که ملاحظه فرموده اید وظایف انجمن بلدی را معین میداند. یکی از وظایف انجمن بلدی تعیین عوارض و عایدات بلدی است اینجا مکلف و مقید نیست که هر چه او تعیین کرد فوراً اجرا شود مگر چیز دیگری که هست در ماده ۲۸ معین شده است که این جزء اول که تعیین عوارض بلدی است پس از تصویب وزارت داخله باید اجرا شود ولی آن ماده چهارم را که آقای مدرس پیشنهاد کردند و بکمسیون برکت این دو ماده مربوط بهم است. هر تصمیمی که در آن قسمت گرفته شد در این جزء از ماده هم معین خواهد شد یا وزارت داخله یا کمسیون داخله. مقصود این است. این دوسه ماده مربوط بهم است ماده چهارم و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ که تعیین عوارض میکنند. اگر در ماده چهارم مقید شد باینکه در موقعی که تعیین عوارض میخواهد بکند باید بتصویب مجلس باشد البته مجلس تصویب میکند و اجرا میشود. اگر وزارت داخله باید بکند بموجب آن ماده ۲۸ وزارت داخله این اختیار را دارد. غرض این است که تعیین عوارض جزء وظایف انجمن بلدی است غیر از او هم کسی صلاحیت این کار را ندارد.

رئیس - در قسمت اول مذاکرات کافی است؟

عمادی - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم.

رئیس - بسیار خوب. در قسمت اول مخالفید؟

عمادی - بله

رئیس - آقای شیروان

شیروان - بنده موافقم

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - در اینجا توضیحی را که آقای مخبر دادند وافی نبود. اینجا تصریح کرده تعیین عوارض بلدی بنده هیچ انجمن بلدی را صلاحیت دار برای ابتکار نمیدانم که برای یک شهری مالیات وضع کند بعد هم تصویب حاکم یا وزارت داخله برسد. هر مالیاتی که برای هر بلدی تعیین میشود اعم از کلی و جزئی بنظر بنده باید انجمن پیشنهاد کند و مجلس شورای ملی تصویب کند وضع مالیات از مختصات مجلس است. بعلاوه این توضیحی که دادند مربوط بماده بیست و هشت بود آمدیم بکلی ماده ۲۸ حذف شد آن وقت تکلیف این ماده چه میشود این بقوت خودش باقی خواهد بود و انجمن اختیار خواهد داشت که هر مالیاتی وضع کند و مردم نحمیل کنند! این است که بنده مخالفم و صلاح نمیدانم این اختیار بانجمن داده شود

رئیس - آقای شیروان

شیروان - عرض کنم این قانون بلدیها عبارتست از این جمله که اگر این جمله از این قانون حذف شود بقیه اش تعارف است. در اینجا آقای آقا سید یعقوب اشاره بعراضی برروز بنده کردند و صحیح هم بود. ما گفتیم که یک قسمت از مخارج شهرها را عاجالتاً در سرحد از مردم بگیرند ولی بالاخره خودشان هم تصدیق میفرمایند که با این بودجه ضعیف نمیتوان شهرها را تمیز و مطابق اصول حفظ الصحه نگاه داشت. بودجه مملکتی ما با داشتن سایر مخارج اجازه نمیدهد که یک قسمتش صرف بلدیها بشود. در هر صورت هر شهری نسبت به احتیاجات خودش محتاج باین است که یک مخارجی بکند ما گفتیم مخارجی را که مردم در شهرها برای خودشان میکنند نمیشود بدست بکنفر مامور غیر مسئول داد و بابت

در تحت نظر خود اهالی که عبارت از نمایندگان آنها در انجمن بلدی است. بمصرف برسد. یعنی هر شهری حوائج خودش را بسنجد به بیند برای اداره کردن، پاک کردن و صحیح المزاج کردن اهل یک بلدی چقدر خرج لازم است آنوقت نماینده های هر بلدی بنشینند و بهمان اندازه یک عوارضی را در نظر بگیرند و از مردم وصول کنند و خرج خودشان نمایند. در اینجا همانطوری که گفته شد ما الان اجازه نمیدهم که حتماً بعد از تصویب این قانون انجمنهای بلدی بروند و یک مالیاتهایی وضع کنند این اجازه را نمیدهم. اینجا وظایفی که برای انجمن معین میکنیم یکی از آنها این است که تشخیص بدهند که نسبت بمصالح هر شهری همانطوری که یکی از پیشنهاد های آقای مدرس بود چطور عوارض را میشود پیش بینی کرد و وضع نمود در اینجا اختلاف نظری هست بعضی از آقایان معتقدند که این انجمنها را نباید حق داد که مالیات وضع کنند بلکه باید آنها در نظر بگیرند و بفرستند به مجلس تا این جا تصویب شود. ما معتقد هستیم که همین اجازه فعلی مجلس در حقیقت تصویب ضمنی است برای اینکه بلدیها حق داشته باشند عوارضی درست کنند عمادی - نمیشود

شیروان - حالا میخواهیم به بدین در عمل این نمی شود آقای عمادی چطور میشود. بنده یکی از عادلانه ترین مالیات هارا که تا امروز در دنیا اختراع شده است مالیات بر عایدات میدانم یعنی هر کس نسبت به نمکن و عایدات خودش مالیات بدهد. این عادلانه ترین مالیات است و در اول دوره پنجم به مجلس پیشنهاد شد و تا حالا هم نگذشته و قول میدهم که تا آخر دوره هفتم هم نگذرد. ما این جا هستیم ما نمیتوانیم عوارض بلدی رفسنجان را بگذرانیم. اصلاً موضوع ندارد. رفسنجان اگر احتیاجات دارد فقط انجمن بلدی نماینده های خودش میداند. ما چه میدانیم که رفسنجان چه

احتیاجات دارد و بالاخره چه نوع مالیاتی را میتواند تحمل نکند که این جا بنده بنشینم و پیشنهاد بدهم. عوارض بلدی باید متناسب با وضعیات بلد باشد. یعنی رفسنجان. بگونه مالیات میتواند بدهد بندر پهلوی بگونه مالیات ساری آقا هم بگونه. بنده نمیدانم در ساری چه نوع عوارض بلدی میشود وضع کرد این است که این حق را همانطور که اینجا ذکر شده باید داد بانجمن بلدی منتهی حدودی برایش قائل شد بنده هم موافق هستم که بگوئیم در چه حدودی میتواند مالیات وضع کنند و این قسم چیزها یک چیزهایی است که اگر مجلس بخواهد تصویب کند غیر عملی است و تا روز قیامت هم تصویب نمیشود

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - عرضی ندارم.

عمادی - اجازه میفرمائید؟

رئیس - جنابعالی اجازه نخواسته اید؟ آقای احتشام

زاده راجع بقسمت اول فرمایشی دارید؟

احتشام زاده - خیر بنده موافقم

رئیس - آقای زوار

زوار - عرضی ندارم

رئیس - آقای حق نویس

حق نویس - عرضی ندارم

رئیس - آقای بهبهانی

بهبهانی - عرضی ندارم

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم قسمت عمده عراض بنده را

آقای شیروان فرمودند ولی میخواستم عرض کنم...

بعضی از نمایندگان - ایشان موافقت

رئیس - موافقت؟

روحی - بله. به بخشید.



جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .  
رئیس - مذاکرات در قسمت اول کافی است ؟  
( اظهار شد بله )

رئیس - قسمت دوم مخالفی دارد ؟

جمعی از نمایندگان - خیر

آقا سید یعقوب - پیشنهادی تقدیم کرده ام .

رئیس - بعد قرائت میشود . قسمت سوم

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - عرض کنم چون يك ماده قانون اساسی هست كه کلیه استقراض های مملکت اعم از داخلی و خارجی باید با اطلاع مجلس شورای ملی باشد لهذا بنده میخواهم با آقایان اعضاء کمیسیون داخله عرض کنم كه این جا این قسمت را قبول کنند كه طرح لایحه استقراض از طرف انجمن بلدی بمجلس پیشنهاد شود تا اینکه آن ماده قانون اساسی كه میگوید :

كلیه استقراض های داخله و خارجه باید بتصویب مجلس شورای ملی باشد رعایت شده باشد ولو اینکه بلدی خودش مستقل است ولی اعتبارات هم باید بتصویب مجلس باشد . بنده در استقراض انجمن بلدی مخالف نیستم اما طرح استقراض باید بمجلس بیاید

رئیس - آقای دشتی

دشتی - یکی از طرفدار های جدی این لایحه آقای آقا سید یعقوب بودند بنده میخواهم از ایشان به پرسش چرا معتقدند كه قانون بلدی تصویب شود؟ فلسفه عمده اش این است كه شما ها معتقدید كه يك بلدی های مستقلی كه از خود شهر ها باشد انتخاب شود و آنها مداخله در كار شهر بکنند و اگر شما بخواید اینقدر حدود برای او قائل شوید و مثل ما مورین دولت باشد كه هیچ اجازه نداشته باشد فایده ندارد . باید بلدی را هم در قسمت عوارض و هم در قسمت استقراض و در تمام

میشود كه خودشان بالطبع شروع میکنند بساختن شهرها شما بلدی را مستقل کنید و مسئولیتش را هم بگردن خودشان بیندازید .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - مذاکرات کافی است ؟

( اظهار شد - بلی )

رئیس - قسمت چهارم مخالفی دارد ؟

( گفته شد خیر )

رئیس - قسمت پنجم و ششم و هفتم و هشتم هم اشکالی ندارد ؟

جمعی از نمایندگان - خیر

رئیس - قسمت نهم و دهم و یازدهم و دوازدهم و سیزدهم هم ایرادی ندارد ؟

( بعضی گفتند خیر )

بامداد - بنده در قسمت چهاردهم عرض دارم

رئیس - بفرمائید

بامداد - وظائف بلدی را كه بنده از اول تا آخر مطالعه كردم همه اش خوبست جز سه قسمتش كه اینجا یاد داشت کرده ام یکی قسمت اول بود كه بنده عرض كردم علاوه بر اینکه اشکالات زیادی دارد مخالف قانون اساسی هم هست . یکی هم قسمت چهاردهم است . بنده امیدوارم كه بلدی های ما انقدر توانا و مقتدر شوند كه تمام این وظائف را انجام بدهند ولی بعقیده بنده چیزی را كه حالا خوب میتوانند انجام بدهند دو چیز است كه نه زحمت فنی دارد و نه موانع علمی . یکی تعیین میزان و نوع عوارض است كه در ماده اول بود و گذشت می نشینند و میگویند از این مواد فلان قدر بگیریم . یکی هم این قسمت چهاردهم است كه درس نظریات خودم را عرض میکنم . مینویسد تصویب تغییرات در نقشه شهر عرض کنم این خیلی آسان است می نشینند و میگویند كه آنجا اتوموبیل نمیتواند خوب گردش كند پس باید وسیع كرد و اینكار

بالاخره موجب میشود كه هياهوئی ایجاد شود و ناچار تأثیرات آن هم در مجلس منعكس میشود و چاره هم نیست زیرا مردم از نمایندگان خودشان توقع دارند و اگر ما بگوئیم كه شهر های ما همینطور باشد كه البته هیچكس این را نباید معتقد باشد و نمیشود گفت كه وسائل نقلیه نباید و سرحدها را بزوي این قبیل وسائل نقلیه به بندیم چون خیابان نداریم این را نمیشود گفت . تمام دنیا هم شهرها شب اول خوب نبوده بعد بتدریج درست کرده اند ولی بيك تربیانی مثلاً شركت های خصوصی تشكيل میدهند و می آیند میگویند این خیابان را به من واگذار کنید و من طوری درست میکنم كه صدای کسی در نیاید . اصل معاملات بلدی همین است این خیابان وقتی كه باز و وسیع شد و مغازه های جدید خوب مطابق مقتضیات امروز در آنجا احداث كردند البته قیمت دكا كین هم بالا میرود ولی مشروط بر اینکه مردم از هستی ساقط نشوند و رضایت صاحب مال و ملك هم بعمل آید . این را نباید به اطلاق گذاشت و باید به قیمت عادلانه آنچه كه قیمت دارد باو بدهند بعد خراب كندند و دیگر اینکه قبلاً باو اطلاع بدهند و بگویند مثلاً شش ماه یا یکسال دیگر ما این جا را میخواهیم خراب و وسیع کنیم تو این جا فكر خودت را بكن . اگر مستأجر است جای دیگر را در نظر بگیرد و اگر صاحب ملك است و ملك او در معرض خطر است از این پولی كه میگیرد جبران میکند و در جای دیگر دكان میسازد . تنها مسئله مالك و خسارات او نباید مورد نظر باشد ممكن است مستأجر بیشتر خسارت بكشد . این مستغلی كه مثلا در فلان خیابان واقع شده و حالا میخواهند خراب كنند يك مستأجرى در آنجا نشسته كه سال ها در آن كسب کرده ، تجارت کرده ، خودش را معروف کرده ، آدرس پیدا کرده اگر بگمربنه آنجا را خراب كنند این آدم معاملاتش چه میشود؟ كسانیکه بسد كارند نمیدهند و كسانیکه میخواهند باو رجوع كنند

دیگر نمیدانند به کجا رجوع کنند بنا بر این بنده با اطلاق این ماده کاملاً مخالفم و يك پیشنهادی هم کرده ام که بآن شخص اطلاع بدهند که میخواهند شهر را توسعه بدهند و ناو بگویند که شش ماه یا سه ماه دیگر میخواهیم این جا را خراب کنیم که او قبلاً فکری برای خودش بکند.

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم مشکلی برای ما پیدا شده است که اگر اصولاً ما آن را رفع کنیم مفردانش برای ما آسان است و آن این است که قانون وضع میشود و مباشرتاً بد رفتار میکنند. این دو باب است. قانون نقص ندارد مباشرتاً بد رفتار میکند. بنده عرض میکنم اصلاح نقشه شهری و توسعه خیابان و آنچه نفع عامه اقتضا میکند این را اگر ما به بلدی و اگذار کردیم با تعیین قیمت عادلانه و جلب رضایت مالکین این که گناهی نیست. و عیبی ندارد. البته مردم هم قبول میکنند باید شهر را توسعه داد. همه این کارها را کرد. اگر بلدی این کارها را نکرد یا بنده آمدیم این کار را نکردیم یا انجمن بلدی این کار را نکرد بقانون نقص و ضرری نمیرساند. غالباً راجع بمالیه این جا انتقاد میشود از فلان قانون برای اینکه فلان امین مالیه این طور گفته. خوب امین مالیه را عوض کنید. قانون عیبی ندارد بالاخره باید با زمان نزدیک شد. اتوبوس قهرآ آمده و هیچکس دستور نداده است این يك سیر طبیعی بود و آمد حالا این آدم زیر میگردد و مردم را در مضیقه و اشکال میاندازد اینها يك مسأله است از همدیگر مفروز و جدا و نباید اینها را بهم مخلوط کرد. بعلاوه بنده يك نکته را عرض کنم فراموش نکنید حکم انجمن بلدی نسبت باشخصاس از حکم قاضی که نافذ تر نیست زیرا او منتخب از طرف کسی است که خود او طرف محاکمه است انجمن بلدی و وکلای آن مبعوث از اهل شهر هستند و امنای شهرند اینها را در حقیقت خود شهرها باید رعایت کنند.

خواننده بشود بگویم موافقم؟ خیر وقتی که چیزی را شخص ملتفت نشد و برای رفع سوء ظن اظهاری کرد نباید دلیل مخالفت گرفت و این هم که فرمودند مثلاً انجمن سیرجان با فلان شهر میدانند که عوارض آنجا چه چیز است. من شما را متذکر میکنم بامر واقع. امر واقع این است که ما الان نمی خواهیم برای بلدی عوارضی قرار بدهیم یعنی اینطور نیست که تا بحال هیچ عوارضی برای بلدی قرار نداده باشیم و حالا میخواهیم قرار بدهیم بنابر این باید حدودی فائل شد. خیر این طور نیست. در دوره پنجم بعنوان عوارض يك همچو بار سنگینی را بر ملت تحمیل کردیم. پس روز اول نیست که بخواهیم عوارض قرار بدهیم. ما در مقابل يك امر واقع شده ایم. مالیات که در سرحدات روی امتعه مان کشیده ایم همان عوارضی است که می خواهیم نازه قرار دهیم اینقدر عصبان نباش آقای دشتی! داریم صحبت میکنیم. در این ماده پانزده نوشته است تبدیل عوارض جنسی به نقدی. بنده منکرم که بتوانند عوارضی درست کنند که حالا جنس را تبدیل به نقد بکنند. برادریش را ثابت نکرده ادعای ارث میکنند. در کدام يك از مواد سابق گذشته که این بلدی بتواند تعیین عوارض جنسی بکند که بعد آن را تبدیل به نقد بکنند؟ پس اول در يك ماده معین کنید که بلدی حق تعیین عوارض دارد بعد در يك ماده دیگر بگوئید که جنس را می تواند تبدیل به نقد کند و کمان میکنم این از اصول علمی و قانون دانی است از این جهت بنده مخالفم مگر اینکه این جا توضیح بدهند که در فلان ماده (که در اینجا نوشته نشده و در ذهن اعضاء کمیسیون بوده است) میتواند این عوارض جنسی را قرار بدهد و بعد تبدیل بنقدی بکند ولی در سابق اشاره ندارد.

رئیس - آقای دشتی

دشتی - عرض کنم آقای سید یعقوب کلیاتشان خوبست ولی در جزئیات اشتباه می کنند. میگویند

که ما به درجه کافی عوارض وضع کرده ایم. بنده تصدیق می کنم ولی مگر قانون را برای امروز مینویسند؟ شما اجتهاد مقابل نص میکنید. اهالی يك شهری بتوسط وکلای خودشان میخواهند عوارض وضع بکنند. شما میگوئید نکنند؟ شما حق ندارید وارد در این موضوع شوید. بنده می خواهم برای خانه خودم بیشتر خرج کنم. شما میگوئید حق ندارید این منطق عجیب در دنیا نظیر ندارد میگویند اهالی شهری مجازند برای خودشان عوارضی وضع بکنند. فرض بفرمائید اهالی بندر عباس يك عایدی معینی دارند. مثلاً از کل سرخ میخواهند دو هزار تومان از حاج معین بگیرند. شما میگوئید حق ندارید بگیرد؟! اهالی بوشهر دلشان میخواهد از بارهائی که وارد آنجا میشود يك عوارضی برای شهرشان بگیرند. شما میگوئید وضع نکنند؟ اگر اهالی چلمیدان بخواهند جمع شوند و قرار بگذارند ماهی دو تومان بانجمنشان بدهند شما مخالفت میکنید؟ و اینکه اعتراض فرمودند که تبدیل عوارض جنسی به نقدی یعنی چه. عرض میکنم که چون در قسمت اول ماده تعیین نوع و میزان عوارض بلدی است از این جهت در قسمت پانزدهم هم بآنها اجازه میدهند که اگر بخواهند آن عوارضی که وضع کرده اند تبدیل به نقدی بکنند مجاز باشند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - قسمت شانزدهم مطرح است. آقای بهبهانی

بهبهانی - در این قسمت شانزدهم اگر توضیحات و مذاکرات نمیشد تصور میشد که از بهترین قسمتها است ولی این جا يك فرمایشاتی آقای کازرونی فرمودند و توضیحی هم آقای مخبر دادند که بنده مجبور شدم در این باب عرضی بکنم. اولاً آقای کازرونی فرمودند باید تفکیک کرد بین وزارت معارف و اداره بلدی بنده نهمیدم از روی چه مأخذی این را فرمودند و بنده ضریب دانستم که تفکیک خواستند در صورتیکه عملیات

وزارت معارف نظارت است و عملیات بلدیہ مراقبت .  
مراقبت با نظارت خیلی فرق دارد و ناچاراً مراقبت چنانچه  
آقای مخبر توضیح دادند غیر از دخالت است . مراقبت در امور بک  
چیزی است که همه مسلمانها میتوانند مراقبت در امور اوقافی بکنند  
مثل اینکه آب انبار فلان که تمام اهالی محل از آن  
مشروب میشوند باید پاک باشد ، لجن نداشته باشد با  
آب آن محله با قنات آن محله باید پاک باشد و آب  
بترتیب برسد به موقوف علیهم . این وظیفه بک بلدیہ است  
مراقبت بکنند . یعنی همیشه از آن مباشر یا متولی آن  
صحت اجراء این امر را میخواهد . این بک امری نیست  
که شرکت با وزارت معارف داشته باشد . با دخالت  
داشته باشد . این بک امری است که مسلمانها میتوانند  
دخالت بکنند . مثلاً اگر آن مباشر یا آن متولی این کار را  
نکرد میتواند به رویه قانونی و ترتیبات شرعی او را مجبور  
کنند که این کارهای شرعی را انجام دهد . پس اگر  
معنی مراقبت به این ترتیبی است که ما فهمیده ایم این  
ماده بهترین مواد است و اگر این ملازم با بک دخالتهای  
مستقیمی است در این امر بنده مخالف با این ماده هستم  
و گمان میکنم اغلب آقایان هم مخالف باشند  
رئیس - آقای بامداد . . . . بک قدری تأمل بفرمائید  
آقای مخبر توضیح بدهند

مخبر - بنده تصور میکنم که منظور کمیسیون هم همان  
است که آقای بهبهانی فرمودند  
رئیس - آقای بامداد

بامداد - آقای بهبهانی موافقت فرمودند با ماده  
برای اینکه دقت لغوی کردند که مراقبت غیر از نظارت  
است و میتواند بشکل عمومی در تنظیم و غیر تنظیم  
اوقاف رسیدگی کنند . ولی این دقت های لغوی در  
دست اجرا که میباید این معنی را نیندهد . آنها این  
دقت ها را نمیکند . شما بک قانونی وضع کرده اید و  
تکلیف اوقاف را معین کردید و مکلف کردید وزارت  
و ادارات اوقاف را باینکه در چه قسمتها دخالت

و فرضاً هم که ایجاد بشود ما این حق را از اداره اوقاف  
میگیریم و به بلدیہ میدهیم برای اینکه اهالی بلد که موقوف  
علیهم هستند از هر کس اولی و انساب هستند و بعقیده  
بنده بهترین مورد از دخالت بلدیہ همین مورد است  
برای اینکه ما به تجربه در خود طهران دیده ایم  
چند فقره قنات شهری است که موقوفه است -  
یکی از آنها که قنات سنگلج است است نظر باینکه  
نظار خوبی داشته است توانسته است خودش را اداره  
کند ولی سایر قنات موقوفه دیگر چون بلدیہ در  
آنها دخالتی نداشته خوب اداره نشده در صورتیکه اگر  
بلدیہ میتواند مداخله کند قطعاً وضعیت آن قنات  
بهرتر میشد و اهالی از آن آسایش میزدند باین جهت  
بنده معتقدم که باید بانجمن بلدیہ حق داد که در مسائل  
موقوفات شهری که برای آسایش عموم است و مربوط  
بخودشان است دخالت کنند تا به مصرف حقیقی خودش برسد  
رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - متأسفانه بنده در اینجا مخالف  
هستم و عقیده ام برخلاف آقای بهبهانی و آقای بامداد  
است . بنده عرض میکنم موقوفات شهری که عام المنفعه  
است باید در دست بلدیہ باشد نه در دست اوقاف دلیل هم دارم برای  
خاطر اینکه موقوفات عمومی که در شهر معین شده است مثل  
قنات حاج علیرضا و مصرف خاصی هم دارد باید در  
دست انجمن بلدی باشد . در این موضوع عنوان هم در  
شرع دارد که میگوید این جور موقوفات باید در دست  
عدول مؤمنین باشد که از امور حسبه است و اجماع  
مؤمنین باید مداخله کنند اداره اوقاف غیر از خراب  
کردن کار دیگری ندارد بنده که ندیده ام غیر از خراب  
نمودن کار دیگری بکنند . این موضوعات عام المنفعه شهری  
باید بدست انجمن بلدی اداره شود زیرا بلدیہ بهتر اداره  
خواهد کرد قنات اگر در دست بلدیہ باشد خیلی خوب  
بجردم آب میدهد و بنده با مراقبت کردن بلدیہ مخالفم  
زیرا مراقبت یعنی فقط باید نگاه کنند و این معنی ندارد

باید بعنوان عدول المؤمنین در دست او باشد  
کاررونی - امیر المؤمنین

آقا سید یعقوب - همه کافرند تو یکی مسلمان هستی .

رئیس - چون بیست و دوسه فقره پیشنهاد رسیده است  
و آقای مخبر باید آنها را مطالعه کنند خواست چند دقیقه  
تنفس داده شود

جمعی از نمایندگان - صحیح است

( در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از چند  
دقیقه مجدداً تشکیل شد )

وزیر مالیه - لایحه استخدام متخصصین خارجه برای  
مالیه تقدیم میشود

رئیس - بکدام کمیسیون باید فرستاده شود ؟

جمعی از نمایندگان - بکمیسیون بودجه و خارجه

رئیس - ارجاع میشود بکمیسیون بودجه و خارجه پیشنهادات  
راجع به قانون بلدیہ قرائت میشود پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب  
( بمضمون ذیل قرائت شد )

پیشنهاد میکنم عوض جزر اول نوشته شود پیشنهاد

نوع عوارض بلدی به مجلس شورای ملی

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در این جا در ماده ۲۷ نوشته شده

است جنس نوع عوارض بلدی . بنده در جواب فرمایشات

آقای دشتی که فرمودند ما قییم مردمی که میخواهند برای

شهرشان خرج کنند نیستیم بنده هم عرض میکنم قییم

مردم نیستیم ولی کارهای ما در حدود قانون اساسی

باید باشد و اختیاراتی که قانون اساسی بماداده نمیتوانیم

بدیگری بدهیم بنده از عبارت قانون اساسی این طور

میفهمم که حق عوارض و عوائد بهر ترتیبی که بوده

باشد با مجلس شورای ملی است حالا در هر جا که انجمن

تشکیل شد ممکن است نوع عوارض که میخواهد وضع و  
برقرار کند معین کند و بعد به مجلس شورای ملی  
پیشنهاد نماید تا در مجلس تکلیفش معین شود البته

مجلس شورای ملی که نمیخواهد ولایت و شهرها خراب باشد ما و اخلاف ما همین نظر را دارند که مملکت آباد شود منتهی از آنجا اینکه اساساً و بنوع عوارض باید با مجلس شورای ملی باشد از این جهت بنده پیشنهاد کردم که بعد از تعیین نوع عوارض بلدی بمجلس شورای ملی پیشنهاد شود زیرا ما نمیتوانیم اختیار اینکه قانون اساسی بماده است بانجمن بلدی بدهیم

مخبر - عرض کنم اگر بطور کلی ما بخواهیم قائل بشویم که کلیه عوایدی که انجمن بلدی به تعیین می کند تمامش بتصویب مجلس شورای ملی برسد این نمیشود و بلدیة قانون هیچ وقت صورت خارجی پیدا نمی کند مطابق این قانون همچو مقرر است که بعد از دو ماه وزارت داخله باید این قانون را در تمام مملکت بموقع اجرا بگذارد بعد از آنکه انجمن بلدی و اداراتش تشکیل شد البته محتاج بیک عواید و پولی است که باید تدارک کند زیرا این عایدات فعلی کفایت تنظیم و روشنائی هر محلی را نمیدهد از این جهت باید یک حقی برای او قائل شویم از آنطرف هم اگر بگوئیم که انجمن بلدی کاملاً آزاد و مختار است که هر عوایدی که میخواهد وضع کند آنها ممکن است تولید یک اشکال و دردسرهایی بکنند باین جهت کیسیون اینطور در نظر گرفت که در یک حدودی انجمن میتواند خودش این کار را بکند و پس از تصویب وزارت داخله بموقع اجرا بگذارد بنده موافقم که با تصویب مجلس باشد ولی ضمناً بانجمن بلدی هم باید یک اختیاراتی داد که در یک حدودی خودش بتواند عوارض درست کند و اگر بطور مطلق بخواهیم او را منع کنیم نمیشود حالا این پیشنهادی که جنابعالی کرده اید یک پیشنهاد هم آقای تقی زاده کرده اند و یک پیشنهاد هم آقای مدرس فرموده اند که جمع بین هر دو نظریه است و اگر چنانچه بفرمائید آن پیشنهادها هم قرائت شود گمان میکنم تمام نظریات تأمین شود

رئیس - دو فقره پیشنهاد تقریباً بیک مضمون رسیده

است یکی از طرف آقای مدرس و یکی از طرف آقای تقی زاده قرائت میشود

(مضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم به آخر فقره اول اضافه شود: سوای آنچه که بموجب ماده ۲۹ مقرر شده بوسیله وزارت داخله بمجلس شورای ملی پیشنهاد شده و پس از تصویب بموقع اجرا گذارده شده

پیشنهاد میکنم در آخر قسمت اول از ماده ۲۷ اضافه شود بموجب آنچه در ماده بیست و نه این قانون مقرر شده تقی زاده

رئیس - آقای مدرس

مدرس - نظر همه آقایان این است که انجمنهای بلدی یک کاری نکنند که اسباب زحمت فراهم نمایند در این قانون در ماده ۲۹ دو فقره تصویب شده که شاید یک فقره اش که فقره دومش باشد بعقیده ما صحیح است و آن یک فقره فعلاً همین جا تصویب میشود ولی در باقی عایداتی که انجمن میخواهد درست بکند باید بوسیله وزارت داخله بمجلس شورای ملی بیاورد تا در اینجا تکلیفش معلوم شود در حقیقت یک فقره حالا تصویب میشود و باقی دیگر موکول این است که توسط وزارت داخله به مجلس بیاید که بعد از آنکه مجلس تصویب کرد آنوقت اجرا کنند پس در حقیقت تمام آنچه را که انجمن بلدی بلدی عایدی درست میکند بتصویب مجلس شورای ملی خواهد بود منتهی آن قسمتی را که در ماده بیست و نهم ذکر شد حالا تصویب میکنیم و آنچه را که بعد تعیین میکنند در آتی بتصویب مجلس خواهد رسید بنا بر این اگر باین ترتیب تصویب بشود کلیه بتصویب مجلس خواهد بود و گمان این است که این پیشنهاد تمام نظریات آقایان را تأمین کند

مخبر - برای اینکه نظریه آقایان نمایندگان تأمین شده باشد بنده این پیشنهاد آقای مدرس را قبول میکنم

بکنفر از نمایندگان - دو مرتبه این پیشنهاد را بخوانید رئیس - در موقعی که رأی گرفته میشود مجدداً قرائت خواهد شد

آقای تقی زاده

بیست و نه رسیدیم تکلیف این ماده معلوم خواهد شد و دیگر لازم نیست که در اینجا حالا ما مباحثات بکنیم مخبر - بطوریکه بنظر آقا رسیده ماده بیست و نه فقط دو قسم عوائد و عوارض قائل شده که چنانچه مجلس تصویب کند بلدی در یافت نماید ولی پیشنهاد آقای مدرس که بنده قبول کردم این بود که علاوه بر آنچه که در ماده بیست و نه مقید است اگر باز هم انجمن بلدی تشخیص داد که آن عوائد برای رفع احتیاجات بلدی و مؤسسه شهری کافی نیست بتواند عوارضی برای خودش تهیه کند و بوسیله وزارت داخله لایحه اش را تقدیم مجلس شورای ملی نماید که پس از تصویب مجلس بموقع اجرا گذارده شود نظر از این ماده بیست و نه که در پیشنهاد آقای مدرس اشاره شده این بود که آنچه که امروز بر طبق ماده ۲۹ معین میشود هیچ ولی برای آتی اگر بخواهد عوارضی برقرار کند باید لایحه اش را بمجلس شورای ملی بفرستد تا مجلس تکلیفش را معلوم کند

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن

این پیشنهاد

محمد ولی میرزا - خوب است یک دفعه دیگر قرائت شود (پیشنهاد آقای تقی زاده مجدداً بشرح سابق خوانده شد)

رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای تقی زاده

آقایانیکه موافقت قیام فرمایند

(جمع قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای فهیمی

(مضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده بیست و هفت فقره اول به

این ترتیب اصلاح شود:

۱ - تهیه لایحه بر قرار و الغاء یا تغییر عوارض

بلدی و تصویب نظامنامه آن متعلقه شهر و حوزه

بلدی

تقی زاده - در باب قسمت اول ماده ۲۹ که حالا مذاکره شد بعقیده بنده فعلاً مذاکره لازم نبود برای اینکه در ماده چهارم هم وقتی که در تعیین عوارض از طرف بلدی اختلافات در بین بود گذاشتیم کنار برای اینکه وقتیکه به ماده ۲۹ برسیم آنوقت صحبت کنیم حالا هم بنده عقیده ام این است که نوشته شود (تعیین عوارض بموجب آنچه که در آن ماده مقرر شده) و این بهتر است چون در اینجا دو سه نکته است که اسباب اختلاف آقایان است بعضی ها میگویند انجمن بلدی حق تعیین هیچ نوع عوارض و مالیاتی را ندارد

در اینصورت بنده گمان میکنم گرفتار یک مشکلاتی خواهیم شد زیرا اگر بنا باشد بلدی هیچ گونه اختیاری نداشته باشد و برای هر مطلبی مجبور باشد لایحه به مجلس بفرستد مثلاً در موضوع یکم علف هم اگر بخواهند مالیات وضع کنند مجبور باشند لایحه اش را بمجلس بیاورند این نه تنها عملی نیست بلکه محال است از طرف دیگر هم اگر بنا باشد بلدی شهرها یک جا یعنی بطور مطلق اختیار داشته باشند که هر نوع مالیاتی را که میخواهند وضع کنند این هم اسباب زحمت عجیبی خواهد شد و یک هرج و مرجی تولید خواهد کرد و علاوه ممکن است مخالف قانون اساسی هم باشد لهذا ما عقیده داریم قسمت دوازده ماده ۲۹ خیلی خوب و مناسب است که بطور اعتبار مقداری اضافه بر مالیاتهای مستقیم مملکت بشود ولی اینجا جای قطع و فصل این مطلب نیست لهذا اینجا نوشته ام تعیین میزان عوارض بلدی بطوریکه در ماده ۲۹ معین میشود وقتی که بماده ۲۹ رسیدیم اگر اکثریت مجلس رأی شان اقتضا کرد که بانجمن بلدی همه نوع اجازه در وضع عوارض بدهند منافاتی ندارد و اگر هم گفتند خیر همان اضافه اعتبار داده شود و مابقی عوارض قلم بقلم بمجلس شورای ملی بیاید که باز هم منافاتی ندارد در هر صورت وقتی که ماده

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - در این قسمت نوشته شده است تعیین نوع و میزان عوارض بلدی. اولاً در اینجا فقط تعیین نوع و میزان کافی نیست زیرا ممکن است بلدیه یکی از عوارض را ملغی کند یا یکی از آنها را تغییر بدهد یا زیاد و کم کند. علاوه بر این انجمن بلدی بدون تصویب مجلس نمیتواند هیچ مالیات را برقرار کند در قانون اساسی مینویسد که هیچ عنوان از اهالی مملکتی چیزی مطالبه نمیشود مگر باسم مالیات مملکتی و ایالتی و ولایتی و بلدی. در ماده دیگر هم میگوید هیچ مالیاتی برقرار نمیشود مگر بحکم قانون. قانون تصویب مجلس شورای ملی. تصویب انجمن و هیئت وزراء یا جای دیگر قانون نیست. قانون را مجلس شورای ملی باید معین کند. ما هم وکیل در توکیل نیستیم که بخواهیم این اختیار خود را بطور ضمنی بدیگری منتقل کنیم زیرا این اجازه که ما میدهیم نوع و میزان عوارض را انجمن بلدیه معین کند اجازه ضمنی است نه ما برای وضع مالیات باعضاء انجمن میدهیم در صورتیکه آنها باید لایحه ابتکار را تهیه کنند و در آنجا نوع مالیات یا میزان مالیات یا الغاء یا تغییر فلان مالیات را معین کنند و توسط وزارت داخله به مجلس شورای ملی فرستند و ماده ۲۹ بطور کلی يك عوارضی را معین کرده که انجمن بلدی حق داشته باشد آن را تصویب کند یعنی پس از تصویب انجمن بموقع اجرا گذاشته شود وقتی که ما بآن ماده رسیدیم ممکن است طرز تنظیم لایحه را در آنجا درست کنیم یعنی ممکن است بگوئیم تا چه درجه بتصویب مجلس باشد و تا چه درجه ممکن است بتصویب خود انجمن موکول کرد این است که بنده پیشنهاد کرده ام نوشته شود (تهیه لایحه برقراری و الغاء یا تفسیر عوارض بلدی و تصویب نظامنامه آن) که بعد از آنکه لایحه آن از طرف بلدیه تهیه و در مجلس تصویب شد و نظامنامه آنها از طرف انجمن تصویب شد

بموقع اجرا گذاشته شود این است نظریات بنده راجع بقسمت اول  
مخبر - در يك قسمت بنده موافقم یعنی در آن قسمتی که مربوط بالغاء یا تفسیر عوارض است. ولی در قسمت بعدش با اینکه پیشنهاد آقای مدرس را قبول کرده ام دیگر موردی ندارد

رئیس - رأی گرفته میشود آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای بامداد خوانده میشود؟

بامداد - بلی

رئیس - به پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب رأی بگیریم؟

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید.

رئیس - بفرمائید.

آقا سید یعقوب - انشاء الله امید وارم آنچه چیزی که آقای مدرس پیشنهاد کرده اند در ماده بیست و نه رد شود اگر اینطور بشود دیگر محتاج نیست.

رئیس - پیشنهاد آقای بامداد

(باین نهج قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در آخر فقره اول اضافه شود بعد از پیشنهاد و تصویب مجلس شورای ملی.

بامداد - بنده هم نامل میکنم تا برسیم ماده بیست و هشت و بیست و نه. ولی حالا برای تذکر آقایان اصل هیچدم قانون اساسی را میخواهم - اصل هیچدم تسویه امور مالیه جرح و تعدیل بودجه تغییر در وضع مالیات ها و رد و قبول عوارض و فروعات همچنان بمیزی های جدیدی که از طرف دولت اقدام خواهد شد بتصویب مجلس خواهد بود - مالیات اصل و فرع و عوارض و

فروعات هیچ فرقی ندارد. اطلاق مطلق در الفاظ حجت است وقتی که گفتند عوارض و فروعات بطور مطلق شامل همه چیز میشود دیگر پهلوی این اصل نوشته نشده که مثلاً عوارض بلدیه مستثنی است بنا بر این ما صلاحیت نداریم که به بلدیه ها حق وضع مالیات گذاری بدهیم اعم از اینکه این مالیات و عوارض اصل باشد یا فرع. مگر بعد از اینکه مجلس شورای ملی لا اقل نوعش را معین کند. این بود عرایض بنده

رئیس - رأی میکنیم به پیشنهاد آقای بامداد

بامداد - بنده مسترد میدارم. تا موقعی که برسیم بآن ماده بیست و نه. حالا مقصود تذکر بود به آقایان نمایندگان که ملتفت باشند مخالف قانون اساسی است.

رئیس - راجع بقسمت دوم پیشنهاد آقای فهیمی قرائت میشود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

قسمت دوم - تصویب بودجه و اعتبارات تخصیص شده برای مصارف بلدی و مؤسسات مربوطه.

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - عرض بنده همان توضیحی است که داده شد بطور کلی این جا نوشته اند (تصویب بودجه و اعتبارات) و این عبارات ابهام دارد و مقصود بنده این است که نوشته شود اعتبارات و مخارجی که برای بلدیه و مؤسسات بلدی تخصیص داده شده.

مخبر - تصور میکنم با توضیحی که آقای دادگر در این خصوص دادند دیگر محتاج به توضیح ثانوی نیست زیرا این مسئله مربوط بامور بلدی است و مربوط به عوارض و عوائد مملکت نیست.

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای فهیمی آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای فیروز آبادی راجع بقسمت سوم

(بترتیب ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد اصلاح نسبت به قسمت های ذیل مینمایم در قسمت سوم اصلاح شود باین قسم طرح لایحه استقراض بلدی از دولت ایران راجع بقسمت ششم باین قسم اصلاح شود:

ششم - تصویب افتتاح حساب جاری بادلالت ایران. راجع بقسمت هفتم و هشتم:

هفتم - تصویب خرید و فروش اموال منقوله دولت

هشتم - تصویب خرید و فروش اموال غیر منقوله دولت

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بعد از قسمت سوم در تبصره نوشته پیشنهاد استقراض در موقعی است که امور مهمه و ضروری عام المنفعه یا ایجاد مؤسسات اقتصادی بلدی در نظر گرفته شده باشد. اگر این قید در این ماده بشود ممکن است يك روزی لایحه استقراضی از طرف انجمن بلدی به مجلس بیاید که مصادف با تعطیل مجلس باشد و بعبارت آخری مجلس نباشد و در زمان فترت باشد و چون از طرف دیگر هم امر ضروری است ممکن است از بانکهای خارجه يك استقراضی بکنند از این جهت بنده پیشنهاد کردم در صورتیکه برای کارهای عام المنفعه بخواهند در يك موقعی که مجلس نیست استقراضی بکنند از داخله قرض بکنند نه از بانکهای خارجه یا از دولتهای دیگر.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - چون در قسمت سوم چند تا پیشنهاد دیگر هم هست خوب است اجازه بفرمائید آنها هم قرائت شود.

شیروانی - بنده هم يك پیشنهادی کرده ام که نظریه آقای فیروز آبادی را تأمین می کند

رئیس - پیشنهاد های واصله قرائت میشود.

پیشنهاد آقای حاج میرزا مرتضی: پیشنهاد میکنم در آخر جزء سوم اضافه شود در حدود نصف عوائد بلدی پیشنهاد آقای تقی زاده: پیشنهاد میکنم در آخر قسمت سوم از ماده بیست و هفت اضافه شود (و پیشنهاد آن توسط وزارت داخله بمجلس شورای ملی) در آخر هر يك از قسمت هفتم و هشتم از همان ماده اضافه شود (شهری)

پیشنهاد آقای مدرس - پیشنهاد میکنم فقره سیم برتریب ذیل نوشته شود:

طرح لایحه استقراض داخلی که زائد از يك ثلث از عایدات سالیانه خود بلدی نخواهد بود.

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - پیشنهاد میکنم بعد از کلمه بلدی در جزو سوم اضافه شود (از داخله) پیشنهاد آقای شیروانی - پیشنهاد میشود بعد از قسمت سوم قسمت ذیل اضافه شود:

۴ - طرح لایحه استقراض های خارجی و تقدیم آن بمجلس.

ایضاً پیشنهاد آقای شیروانی - پیشنهاد میشود بعد از کلمه استقراض ضمیمه شود داخلی.

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی

حاج میرزا مرتضی - عرض میکنم بنده کاملاً معتقد هستم باین که بلدیهای شهرها کاملاً مستقل باشد ولی در مورد قروض بنده عقیده ام این است که باید يك حدودی برایشان معین کرد تا بلدیهای شهری بتواند در همان حدود خودش قرض کند نه این که هر قدر دلش بخواند بتواند قرض کند و آنوقت از وجوه عمومی مملکت این قرض پرداخته شود. بعقیده بنده بلدیهای هر محلی باید اختیار داشته باشد نصف آنچه که عایدی دارد قرض کند. حالا شاید بعضی از آقایان نظرشان به ثلث باشد بنده با آنها مخالفتی ندارم. در هر حال بنده معتقدم که حدود و اختیارات قرض باید معین باشد و الا ممکن است بلدیهای شهری يك مبلغ

محتاج بيك استقراضی بشود بکحدود و اختیاراتی داشته باشد نابتواند بکوجهی استقراض کند و وظایفی که عهده دار است انجام بدهد و کار خودش را اداره کند. و اگر ما بخواهیم قائل شریم که تمام پیشنهاد و لوایح را انجمن مکلف باشد بمجلس بفرستد این عملی نیست مثلاً در مورد بانصد نومان یا هزار نومان قرض که بلدیها محتاج است اگر بخواهد لایحه اش را بمجلس بفرستد تولید اشکال خواهد شد باین جهت در اینجا کمیسیون قائل شد که اگر استقراض برای بلدیها لازم شد بانصوب وزارت داخله باشد یعنی این قرضهای جزئی پس از تصویب وزارت داخله بموقع اجراء گذارده شود. ولی آن پیشنهادی که از طرف آقای مدرس شده بود مشعر بر اینکه در حدود اعتبار ثلث عایدی بلدیها بتواند خودش قرض کند و مخصوصاً با آن پیشنهادی که شده که قرض بایستی از داخله بعمل آید دیگر دچار زحمت نمیشوم و راهی هم برای بلدیها با باز است که بتوانند رفع احتیاج خود را بنمایند منتها اضافه از آن حدود اگر بخواهند قرض کنند با از خارجه بخواهند قرض کنند باید بتصویب مجلس شورای ملی باشد

تقی زاده - پس در وقتی که بآن پیشنهاد دیگر رأی گرفته شد اگر لازم شد به پیشنهاد بنده رأی بگیرد. حالا مسترد میدارم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - معروف است. حقیقتاً آدم مارگریده از ریسمان سفید و سیاه میترسد. مثل آن بدی که کردیم وزراء و وکلاء را محروم کردیم. ما کم کم نرهم ده روز به ده روز یکی از حقوق مجلس شورای ملی را (مجلس نیمساعت بعد از ظهر ختم شد)

داریم دور می اندازیم!! آقا: اعضاء انجمن بلدی در حدود قانون وکیل نیستند بنده و شما در حدود قانون اسامی و کیلیم. مسئله استقراض و وضع مالیات حتماً باید با تصویب مجلس شورای ملی باشد. غیر از مجلس شورای ملی هیچکس حق ندارد این کار را بکند...

شیروانی - آنها هم وکیلند. آنها را هم مردم انتخاب می کنند.

آقا سید یعقوب - آقای شیروانی: آنقدر احساسات بخرج ندهید و آنقدر نفرمائید که اعضاء انجمن بلدیها وکیل هستند و میتوانند فلان و فلان کار را بکنند. آن قدر حقوق خودتان را از دست ندهید. ما وکیلیم نه آنها ما حق خودمان را از دست میدهیم بسیار خوب! اولاً خوب است حق اخلاف خودمان را از دست ندهیم. بنده عرض میکنم اگر میخواهند قرض بکنند باید بتصویب مجلس شورای ملی باشد. در موضوع قرض از داخله آن پیشنهاد آقای مدرس در واقع بکطوری مسئله را درست کرد و راهی را باز کرد. اما در موضوع قرض از خارجه باید حتماً بتصویب مجلس شورای ملی برسد.

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب آقابانیکه قابل توجه می دانند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد: میفرمائید پیشنهادها مراجعه شود بکمیسیون؟  
جمعی از نمایندگان - صحیح است.

رئیس - بقیه مذاکرات میباید برای جلسه بعد.